

ازمیان خبرها

قتل، پایان تلخ اختلاف ملکی! تصاویر دوربین های مدار بسته قاتل را لو داد

توکل۱- اختلاف ملکی دو مرد میان سال به قتل یکی از آن ها منجر شد. به گزارش خراسان، روز جمعه سوم مرداد ماه جاری نزاع خونی بین دو مرد میان سال از سوی اهالی یکی از محله های بافت کرمان به مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ اعلام شد. به دنبال این خبر، بلافاصله مأموران راهی محل حادثه شدند و با بدن نیمه جان مردی ۵۱ ساله که با ضرب به چاقو زخمی شده بود، مواجه شدند. بنابر این گزارش، مأموران در بررسی های اولیه مشاهده کردند این فرد میان سال در جلوی منزلش از ناحیه سینه و شکم هدف اصابت و ضرب به چاقو قرار گرفته و به سختی نفس می کشد که بلافاصله با هماهنگی اورژانس ۱۱۵ فرد زخمی به بیمارستان منتقل شد که لحظاتی بعد هنگام انتقال به بیمارستان به علت شدت خون ریزی تسلیم مرگ شد و جان سپرد. با قتل مرد میان سال، موضوع به باز پرس کشیک قتل اعلام شد و تحقیقات برای دستگیری عامل این نزاع خونین ادامه یافت. به گزارش خبرنگار ما، فرمانده انتظامی شهرستان بافت گفت: با حضور سریع چند گروه از پلیس های تخصصی و بررسی تصاویر دوربین های مدار بسته محل حادثه، قاتل شناسایی و در کمتر از ۲۴ ساعت عامل این نزاع مرگبار در مخفیگاهش در یک نقطه دیگر از شهر دستگیر شد. سرهنگ "میرافضلی" افزود: با انتقال قاتل به مقر انتظامی، متهم مورد بازجویی های تخصصی قرار گرفت و اعتراف کرد درگیری و نزاع ما به دلیل اختلاف ملکی بود که منجر به قتل شد. این مسسئول انتظامی خاطر نشان کرد: داشتن هر گونه اختلاف با دیگران هیچ گاه دلیل موجهی برای افزایش تنش و ایجاد زمینه های درگیری با افراد نیست چرا که در این صورت ممکن است فرد به سبب عصبانیت لحظه ای دست به این گونه اقدامات مجرمانه و جبران ناپذیر بزند و علاوه بر گرفتن حق باات از دیگری خود را نیز برای تمام عمر گرفتار زندان یا دیگر مجازات های سنگین این نوع جرایم کند.

شهر داری:وزارت بهداشت بدون رعایت مقررات برای کلینیک سینما مهر مجوز صادر کرده بود

شهردار منطقه یک شهر داری تهران گفت:وزارت بهداشت پروانه تاسیس مرکز درمانی کلینیک سینما مهر را بدون رعایت قوانین ومقررات ملی ساختمان صادر کرده است ومادرشهر داری برای این ساختمان کاربری مسکونی صادر کرده بودیم. وی افزود: شهر داری تهران برای صدور پروانه تاسیس مراکز درمانی نقشی نداشته و متقاضی در فرایند صدور پروانه تاسیس مراکز درمانی نیازی به مراجعه به شهر داری ندارد ودر این خصوص هیچ استعلامی از شهر داری به عمل نمی آید. کاربری ملک مسکونی بوده و مالک از شهر داری پایان کار مسکونی دریافت کرده است.

به گزارش ایرنا و فارس ،«سید حمید موسوی» تأکید کرد: وزارت بهداشت در زمان صدور پروانه باید تمام موضوعات وانطباق عملکرد با فضای مدنظر را بررسی کند و در صورت ایجاد هر گونه تغییرات، رعایت مباحث مقررات ملی ساختمان، توسط وزارت بهداشت مورد بررسی قرار گیرد و برای صدور پروانه اقدام کند.

حادثه آتش سوزی و انفجار کلینیک سینما مهر در خیابان شریعتی تهران به کشته شدن ۱۹ نفر و مصدومیت ۱۴ نفر منجر شد.

با تهیه فیش حج به سرزمین وحی سفر کنید خرید – فروش – نمتع – عمیره نبش معلم ۱۳ – پلاک ۱ ۶۹-۱۱۶۸ ۴۵۱ ۰۹۱۵

سجاد پور - من و همسر دومم معتاد بودیم ولی روزگار خوبی نداشتیم. او همواره مرا کتک می زد و از خانه بیرون می کرد تا جایی که دیگر همه همسایگان مرا بدون حجاب دیده بودند! از سوی دیگر هم پدرم مراد را خانه اش نمی پذیرفت و مدعی بود که باید با همسر من زندگی کنم ولی کارد به استخوانم رسید از این همه فشار در زندگی وخسته شدم تا این که او را کشتم و جسد و خانه اش را به آتش کشیدم...

به گزارش اختصاصی خراسان، این ها بخشی از اظهارات زن ۴۰ ساله ای است که سی و یکم فروردین گذشته، در جنایتی هولناک، شوهر بازنشسته اش را با ضربات جسم سخت به قتل رساند و سپس برای از بین بردن آثار قتل، جسد و بخشی از خانه را آتش زد! آن چه می خوانید گفت و گو خبرنگار خراسان با متهم این پرونده جنایی است.



آلت قتاله در صحنه جرم

چند سال داری؟ متولد فروردین سال ۵۹ هستم! ۴۰ سال دارم.

تا کلاس چندم درس خواندی؟ تا اول دبیرستان تحصیل کردم البته مقطع ابتدایی را در روستا بودم و بعد برای ادامه تحصیل به

مدرسه شبانه روزی در چکنه رفتم.

چرا ادامه تحصیل ندادی؟ از دواج کردم! هنوز اول دبیرستان را تمام نکرده بودم که پسر دایی ام عاشقم شد.

تو هم او را دوست داشتی؟ نمی دانم! نه می توانم بگویم دوست داشتم و نه می توانم بگویم او را دوست نداشتم!

زمان از دواج چند ساله بودی؟ ۱۵ سال داشتم.

فرزند هم داری؟ بله! یک دختر و یک پسر دارم. آن ها چه کار می کنند؟ پسر در مدرسه تیزهوشان درس می خواند اما دخترم مشکل ذهنی دارد!

چرا؟ چون از دواج فامیلی بود.

مگر آزمایش ژنتیک انجام ندادید؟ چرا؟ ولی خانواده دایی ام نتیجه آزمایش را پنهان کردند چون پسر دایی ام عاشق من شده بود!

چرا او طلاق گرفتی؟ من طلاق نگرفتم آن

ها مرا طلاق دادند. شوهرم بیکار و کارت ن خواب بود! هیچ سرمایه ای نداشت با فروش طلاها و زیورات من سرمایه ای فراهم کرد اما اکنون یکی از سرمایه داران آن محل است و تجارت می کند.

چرا طلاق داد؟ آن زمان به من تهمت می زد! مشکوک بود به من می گفت اعتیاد داری! و دزد هستی!

چند سال با هم زندگی کردید؟ ۱۰ سال. دخترم ۹ ساله و پسرم ۴ ساله بود که طلاق گرفتم.

بعد از طلاق چه کردی؟ به خانه پدرم باز گشتم. حدود هفت ماه به کارگری در باغ ها و مزارع پرداختم تا این که «محمد» به خواستگاری ام آمد.

چرا بدون اجازه خانواده ات از دواج کردی؟ وقتی برای برگزاری مراسم عقد کنار به مشهد آمدم، پدرم گفت خواستگار ت کریستالی است ولی او می گفت من فقط شیر و و تریاک مصرف می کنم! این بود که من فرار کردم و

گفت و گویا زنی که همسرش را کشت و خانه را به آتش کشید

الان هم از مرده شوهرم می ترسم!

به همراه خانواده ام به چکنه باز نگشتم سپس به خواستگار من نگ زدم و گفتم بیا با هم فرار کنیم؟ اما او به دنبالم آمد و صیغه محرمیت جاری کر دیم و با مهریه ۷۲ سکه طلا به عقد او درآمدم.

تو که مدعی هستی شوهرت کریستال مصرف می کرد؟ بله! بعد از سه ماه وقتی النگوهایم را فرو ختم تا مرا عقد رسمی کند متوجه این موضوع شدم!

اختلافات شما از کجا شروع شد؟ به خاطر مواد مخدر اما همیشه با هم درگیر بودیم و اختلاف داشتیم البته این درگیری ها ز من خمار ی شدت می گرفت تا جایی که احساس می کردم دیوانه شده ام!

اوبارها مرا کتک زد و از خانه بیرون انداخت! با آجر سفالی به سرم می کوبید به طوری که دیگر کار د به استخوانم رسید و از این وضعیت خسته شدم.

چگونه او را کشتی؟ میله بزرگ آهنی را برداشتم و به سرش کوبیدم وقتی جان داد جسدش را درون حمام کشاندم و با ریختن تینر جسد او را آتش زد م بعد هم برای آن که کسی متوجه نشود به قسمت های دیگر خانه هم تینر ریختم و آتش زد م شیر گاز را هم باز کرده بودم ولی همسایگان متوجه شدند و با آتش نشانی تماس گرفتند.

چرا اسناد و مدارک را با خودت بردی؟

سابقه خبر

به گزارش خراسان، ماجرای این جنایت تکان دهنده در دقایق اولیه بامداد سی و یکم فروردین در خیابان طبرسی ۳۸ مشهد زمانی لو رفت که شهروندان با مشاهده دود غلیظی که از پنجره یک منزل ویلایی دوطبقه بیرون می زد با آتش نشانی تماس گرفتند و بدین ترتیب با کشف جسد نیم سوخته مردی ۶۰ ساله درون حمام، تحقیقات قضایی با انگیزه حضور قاضی احمدی نژاد (قاضی ویژه قتل



متهم به قتل در صحنه جنایت

برای آن که سهم خودم را بردارم! البته شوهرم اسناد را خودش به من داد و گفت عزیزم! نور دو چشمانم این ها را با خودت ببر چون می ترسم مر د تبعه خارجی که بر ایمان کریستال می آورد آن ها را بردارد!

پشیمانی؟ بله! خیلی! الان حتی از مرده او هم می ترسم!

کاش در از دواج دومم دقت می کردم! ولی با این همه اعتیاد مرا به این روز انداخت چون مجبور شدم داروهای اعصاب و روان مصرف کنم.

جنایت هولناک نقابدار مسلح در تاریکی شب

فریاد زنان به طرف او دوید اما مهاجم مسلح سوار بر خودروی همدستانش شد که سر کوچه منتظر او ایستاده بودند و بدین ترتیب از محل گریخت. اطرافیان «محسن» با اورژانس تماس گرفتند و بیکر خون آلود او را به بیمارستان شهد هاشمی نژاد مشهد انتقال یافت ولی او دیگر جان باخته بود و علایم حیاتی نداشت.

گزارش خراسان حاکی است، دقایقی بعد با حضور قاضی ویژه قتل عمد و کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی در مرکز درمانی و محل وقوع جنایت، تحقیقات در این باره آغاز شد. به دستور قاضی کاظم میرزایی، گروه بده ای از کارآگاهان به



سرپرستی سرگرد حمیدفر (افسر پرونده) تلاش گسترده خود را برای ردیابی عامل این جنایت وحشتناک ادامه دادند.

شماره مناقصه	موضوع مناقصه	مبلغ برآورد (ریال)
۹/۹۹۱۵	احداث و توسعه پارک مسیل آب وبرق(هفت تیر تا حافظ فاز۲)	۲۴,۹۸۱,۳۴۸,۹۶۵
جهت شرکت در مناقصه و کسب اطلاعات بیشتر به سایت مناقصات شهرداری مشهد به آدرس http://ets.mashhad.ir مراجعه نمایند و همچنین جهت اطلاع در روزنامه رسمی به آدرس www.rnk.ir درج می گردد.		
امور قراردادهای شهرداری منطقه ۹		

شماره مناقصه	موضوع مناقصه	مبلغ برآورد (ریال)
۹/۹۹۹۴	تعمیر و مرمت کانال سرویشیده هاشمیه	۷,۹۸۳,۶۹۶,۶۸۷
جهت شرکت در مناقصه و کسب اطلاعات بیشتر به سایت مناقصات شهرداری مشهد به آدرس http://ets.mashhad.ir مراجعه نمایند و همچنین جهت اطلاع در روزنامه رسمی به آدرس www.rnk.ir درج می گردد.		
امور قراردادهای شهرداری منطقه ۹		

شماره مناقصه	موضوع مناقصه	مبلغ برآورد (ریال)
۹/۹۹۹۴	تعمیر و مرمت کانال سرویشیده هاشمیه	۷,۹۸۳,۶۹۶,۶۸۷
جهت شرکت در مناقصه و کسب اطلاعات بیشتر به سایت مناقصات شهرداری مشهد به آدرس http://ets.mashhad.ir مراجعه نمایند و همچنین جهت اطلاع در روزنامه رسمی به آدرس www.rnk.ir درج می گردد.		
امور قراردادهای شهرداری منطقه ۹		

۹/۹۹۰۳۱۰۰۸

حوادث

۹

در امتداد تاریکی

اشتباه پدر، زندگی دختر را سوزاند!

همسرم که می داند من پشتیبان و کس و کاری ندارم، همواره مرا به خاطر نازیابی کتک می زند و به بهانه های مختلف نمی گذارد از خانه خارج شوم، در حالی که من فقط ۱۷ سال دارم...

زن نوجوانی که باسر و صورت کبودارد کلانتری شده بود تا از همسرش به دلیل توهین و افترا و ضرب و جرح عمدی شکایت کند، در باره داستان غم انگیز زندگی اش به کارشناس اجتماعی کلانتری سپادمشهد گفت:پنج سال قبل زندگی آشفته و بی سرو سامان پدر و مادرم با مهر طلاق در مسیر دیگری قرار گرفت. آن ها مدت ها بود که با هم ارتباطی نداشتند و حتی چندین ماه یکدیگر را نمی دیدند. پدرم آن قدر در لجنزار اعتیاد فرو رفته بود که هیچ گاه خانواده اش را به یاد نمی آورد. او از چندین سال قبل مواد مخدر صنعتی مصرف می کرد و برای تامین هزینه های اعتیادش به دنبال زباله های بازیافتی در سطل آشغال خانه های مردم می گشت و شب ها را نیز با دوستان معتاداش در کوچه و خیابان ها پاتوق های حاشیه شهر و در زیر پل ها و پارک ها سپری می کرد. او آن قدر ظاهری آشفته و چهره ای وحشتناک پیدا کرده بود که مادرم برای حفظ آبرویش اجازه نمی داد حتی به محل سکونت مان بیاید. در نهایت نیز مادرم چاره کار را در طلاق دید. مدتی بعد هم عاطفه مادری را زیر پا گذاشت و در حالی من و برادر کوچکم را رها کرد که خواهر بزرگ ترم از دواج کرده بود و در شمال کشور با شوهرش روزگار می گذراند. مادرم نیز که زنی زیبا چهره و جوان بود، به عنوان همسر دوم به عقد مردی ۶۵ساله در آمد و راهی غرب کشور شد. در این میان، من و برادر پنج ساله ام آواره و سرگردان ماندیم چرا که شوهر مادرم سرپرستی ما را قبول نکرد.

خلاصه، مادر بزرگم از سر دلسوزی من و برادرم را به خانه اش برد اما دیگر نمی توانستیم به مدرسه برویم یا درخواست خرید پوشاک یا خوراکی داشته باشیم. با وجود این، فرزندان بزرگ و نوه های ما در بزرگم نیز در کوچه های تاریکی می کردند و مادر بزرگم صلاح نمی دانست ما هم در کنار آن ها باشیم. به همین دلیل مرا در ۱۳ سالگی به مردی شوهر داد که ۲۷سال داشت و همسرش را طلاق داده بود.

خلاصه، مسیر زندگی من نیز مانند سرنوشتم تغییر کرد و در حالی که باید عروسک بازی می کردم، به طور واقعی به شوهر داری و خانه داری پرداختم، به گونه ای که هنوز واقعیت های زندگی را از بازی کودکان تشخیص نمی دادم. من در همین سن و سال زندگی مشترکم را آغاز کردم و برادر کوچکم نیز به بهزیستی سپرده شد. اما هنوز معنی سوءظن و بدبینی را نمی دانستم که به خاطر همین کلمات زجرمشت و لگد همسرم قرار گرفتم. «اکبر» مدعی بود همسر اولش به او خیانت می کرد و به همین دلیل نیز همسرش را طلاق داد و با من از دواج کرده است. با حرف های او تازه فهمیدم چرا در منزل را به رویم قفل می کند و اجازه نمی دهد حتی برای خرید نان و مایحتاج ضروری روزانه از خانه بیرون بروم! «اکبر» همچنین ادعا می کرد همسر اولش فرد غریبه ای را به منزل رها داده بود و او هنگام ورود به خانه سایه یک فرد غریبه را دیده است! بنابراین من باید حواسم را جمع کنم چرا که لحظه به لحظه زیر نظر هستم و اگر چنین اتفاقی بیفتد روزگارم را سیاه خواهد کرد. این در حالی بود که مادر شوهرم به خاطر آن که در محله ما سکونت داشت، همه حرکات و رفت و آمدهایم را به شوهرم گزارش می داد. از طرف دیگر نیز همسرم با این ادعا که من نازا هستم مدام کتکم می زد و به من توهین می کرد. او می گوید من نان اضافه ندارم که به یک زن نازا بدهم، در حالی که من ۱۷ سال بیشتر ندارم و پزشک معالجم نیز می گوید هنوز برای بارداری دیر نشده و این شرایط در بسیاری از زنانی که در سن پایین ازدواج می کنند، طبیعی است. در عین حال، استرس و اضطراب عجیبی دارم چرا که می ترسم سرنوشت فرزند من نیز مانند روزگار خودم سیاه شود. خلاصه، به دلیل این که هیچ پشتیبان و کس و کاری را در مشهد نداشتم همواره در برابر کتک کاری و تهمت های ناروای همسرم سکوت کردم و همه این سختی ها را به جان خریدم تا این که این بار نه تنها همسرم به بهانه واهی به شدت کتکم زد و سر و صورتم را کبود کرد، بلکه مرا از خانه بیرون انداخت، به همین دلیل چاره ای ندیدم جز آن که به پلیس ۱۱۰ تماس بگیرم. مادر شوهرم وقتی از شکایتم مطلع شد، فریاد زد چگونه برای باردار شدن کوچک هستی اما الان بزرگ شده ای و عقلت می رسد که با پلیس ۱۱۰ تماس بگیری؟!

بالاخره با همه این حرف و حدیث ها وقتی آواره کوچه و خیابان شدم، به منزل دختر خاله مادرم رفتم، تا شکایتم را اپیکیری کنم و...

شایان ذکر است، به دستور سرگرد جعفر عامری (رئیس کلانتری سپاد) این پرونده توسط کارشناسان باتجربه دایره مددکاری اجتماعی مورد بررسی و رسیدگی قرار گرفت.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی